

## فرار مالیاتی و بی‌ثباتی مالی

ابوالفضل زارع مهرجردی<sup>۱</sup>، علی فاضل یزدی<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

[abolfazlzare429@gmail.com](mailto:abolfazlzare429@gmail.com)

۲- مربی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، یزد، ایران

[Fazel350@yhaoo.com](mailto:Fazel350@yhaoo.com)

### چکیده

فرار مالیاتی و بی‌ثباتی مالی دو مشکلی است که دولت‌ها نگران آن هستند. فرار مالیاتی و بی‌ثباتی مالی متقابلاً منحصر به فرد نیستند، زیرا فرار مالیاتی بیش از حد می‌تواند اختلالات اولیه در سیستم‌های مالی را طولانی‌تر کند، زیرا فرار مالیاتی در حال حاضر دولت‌ها را برای مداخله با منابع کمی‌رها کرده و آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد تا به بدهی تکیه کنند. همچنین فرار مالیاتی می‌تواند بر توانایی دولت‌ها برای مداخله در جهت احیای سیستم مالی و اقتصادی تأثیر گذار باشد. از سوی دیگر، اختلالات شدید در سیستم‌های مالی می‌تواند انگیزه‌ای برای فرار از پرداخت مالیات ایجاد کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فرار مالیاتی می‌تواند درآمد مالیاتی موجود در اختیار دولت‌ها را برای مدیریت اقتصاد کاهش دهد و می‌تواند توانایی دولت در ترویج ثبات در سیستم‌های مالی را تضعیف کند، در حالی که برعکس، مودیان مالیاتی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند احساس می‌کنند می‌توانند از پول فرار از مالیات استفاده کنند تا ثبات مالی خود را بهبود بخشند.

**واژگان کلیدی:** فرار مالیاتی، اجتناب از مالیات، ثبات مالی، بحران مالی

## ۱ - مقدمه

مالیات یکی از منابع مهم درآمدی دولت‌ها می‌باشد که علاوه بر تأمین منابع مالی که دولت به آن نیاز دارد، به توزیع بهتر درآمد و ثروت کمک می‌کند. ترکیب درآمدهای مالیاتی و نیز سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی به دلیل شرایط اقتصادی، فرهنگی و تاریخی در یک کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است. اجتناب و فرار مالیاتی باعث می‌شود درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده است، کمتر باشد؛ بنابراین این موضوع و عوامل مؤثر بر آن و نتایج حاصل از آن، مسئله و نگرانی در جامعه تلقی می‌شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۸). در بسیاری از موارد بی‌ثباتی

بودجه دولت نه ناشی از تصمیم‌گیری و اقدام عامدانه دولت بلکه ناشی از عواملی است که دولت بر آن کنترل نداشته و تمایلی برای وقوع این بی‌ثباتی که تداوم‌پذیری مالی دولت را نیز تهدید می‌کند از سوی دولت وجود ندارد. به همین دلیل، گرایش برای کاهش بی‌ثباتی در بودجه دولت پدیدار شده است و یکی از اقداماتی که می‌تواند این بی‌ثباتی را کاهش دهد افزایش سهم مالیات در درآمدهای مالیاتی دولت است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۱). وقتی دولت‌ها پایه‌های جدید مالیات را تعریف می‌کنند یا وقتی آنها سیستم‌های مالیات موجود را نقد و بررسی می‌کنند؛ آنها باید بار مالیات موجود و احساس مالیات دهندگان را در مورد پرداخت مالیات مازاد در نظر بگیرند (دیمتریویچ، ۲۰۱۶). هنگامی که بار مالیاتی بیش از حد می‌شود، چه جدید و چه تغییر یافته، می‌تواند درآمد قابل مصرف افراد را کاهش داده و واکنش نشان دهند که می‌تواند کار سیستم‌های مالی را مختل کند، به خصوص اگر مالیات دهندگان بیش از حد معتقد باشند که دولت فاسد است و لیاقت آن را ندارد. با توجه به این نگرانی‌ها در مورد رابطه متقابل بین فرار مالیاتی و اختلالات در امور مالی، یک سوال مهم این است که فرار مالیاتی چه تاثیری بر ثبات یا بی‌ثباتی در سیستم‌های مالی خواهد داشت (اوزیلی، ۲۰۲۰)

## ۲- ادبیات پژوهش

## ۲. فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی هستند که ممکن است شرکت‌ها به وسیله آن سعی در کاهش مالیات نمایند طبق تعریف هرگونه تلاش غیرقانونی به منظور عدم پرداخت مالیات، مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود (نمازی و اسماعیل پور، ۱۳۹۹). به طور کلی فرار مالیاتی عدم پرداخت غیرقانونی و عمدی یا پرداخت کم مالیات است (الم، ۲۰۱۲، ترجمه)؛ برخی از نمونه‌های فرار مالیاتی شامل کم کردن درآمد، کسری‌های بیش از حد بودجه و جعل اسناد مالی است. برعکس، اجتناب از مالیات استفاده از روش‌های قانونی برای کاهش بدهی مالیاتی است (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹)؛ نمونه‌هایی از طرح‌های اجتناب از مالیات شامل تغییر مسیر درآمد، به تعویق انداختن درآمد و درآمد متغیر است.

برای درک کامل فرار مالیاتی، ابتدا باید فهمید که چرا دولت‌ها نیاز به دریافت مالیات دارند. درآمد حاصل از مالیات برای عملکرد دولت مدرن مهم است، بدون آن دولت‌ها نمی‌توانند وظایف اجرایی یا توزیعی خود را انجام دهند (میچل و سیکا، ۲۰۱۱). دولت برای تأمین هزینه‌های سرمایه‌ای و تأمین بودجه هر سال به درآمد حاصل از مالیات متکی هستند. بر همین اساس دولت‌ها از متخصصین / مامورین مالیاتی به نمایندگی از دولت برای جمع‌آوری مالیات از شرکت‌ها و افرادی استفاده می‌کنند که منبع درآمد قابل شناسایی دارند. هیچ دولتی نمی‌تواند یک سیستم

مالیاتی را اعلام کند و سپس به مالیات دهندگان اعتماد کند تا اظهارنامه های مالیاتی را به عنوان یک وظیفه اخلاقی تهیه نمایند. این بدان دلیل است که برخی از افراد وظیفه شناس بدون شک مالیات بدهی خود را پرداخت می کنند، اما بسیاری از افراد دیگر مالیات خود را نمی پردازند (اسلمرود، ۲۰۰۷). علاوه بر این، اگرچه برخی از مردم به طور قانونی مالیات را آن طور که باید می پردازند، اما تمام تعهدات مالیاتی خود را نمی پردازند و این رفتار در بسیاری از موارد، اگر تا به حال تشخیص داده شود، سال ها مورد توجه قرار نمی گیرد. افراد ثروتمند می توانند از مالیات فرار کنند تا این وجوه را برای استفاده بهتر هدایت کنند، در حالی که افراد عادی می توانند از اعتبارات مالیاتی قابل استرداد خود استفاده کنند و یا از وضعیت مشاغل آزاد برای جلوگیری از پرداخت مالیات های سنگین استفاده کنند. بنابراین، این نظریه که بیشتر فرار مالیاتی توسط افراد ثروتمند انجام می شود، یک فرضیه است. این بدین دلیل است که تمایل به فرار از مالیات تحت تأثیر طبقه درآمد نیست. هر فردی، فارغ از طبقه اجتماعی، می تواند از مالیات فرار کند. همچنین شرکت های بزرگ می توانند با تغییر سود از مالیات فرار کنند (هافلر و شلدروپ، ۲۰۰۰)، تخریب پایه مالیاتی، انتقال عملیات به کشورها یا شهرهایی که به آنها بهشت مالیاتی می گویند، یا می توانند وجوه خود را به سرمایه گذاری های خارج از کشور هدایت کنند (اوزیلی، ۲۰۲۰).

به دلیل فشار مالیاتی بیش از حد برای مودیان مالیاتی، ممکن است بین تمایل دولت برای وضع مالیات و تمایل مالیات دهندگان به پرداخت، تنش هایی وجود داشته باشد و شواهد مستندی وجود دارد که نشان می دهد که این تنش ها باعث اجتناب از پرداخت مالیات شده و حتی منجر به شورش و انقلاب در کشورها شده است (دانتون، ۲۰۰۱؛ فرنکال-هیوز، ۲۰۰۷؛ بورگ، ۲۰۰۴). فشار مالیاتی یا میزان مالیاتی که باید پرداخت شود برای افراد و شرکت ها بیش از حد است، زیرا مایلند در صورت امکان راه هایی برای کاهش فشار مالیاتی یا بدهی مالیاتی خود از طریق فرار از پرداخت مالیات پیدا کنند (اسلمرود، ۲۰۰۷).

## ۱-۲. عوامل موثر بر فرار مالیاتی

### ۱-۱-۲. نرخ بالای مالیات

برای دولت ها دشوار است که نرخ مالیات مطلوبی را که بالاتر از آن محرکی برای فرار مالیاتی می باشد را تعیین کنند (اسلمرود، ۱۹۹۰). وضع مالیات زیاد بر محصولات یا خدمات خاص می تواند عواقب ناخواسته ای برای درآمد مالیاتی داشته باشد، زیرا مالیات های زیاد می تواند مشتریان را از استفاده از چنین محصولات و یا خدمات، همراه با گرایش تامین کنندگان برای عبور از بار مالیاتی کامل به مشتریان، بسته به کشش قیمتی محصول یا خدمات، دلسرد کند. مالیات بالا که قابل انتقال به مشتریان نیست می تواند باعث شود تامین کنندگان، تامین چنین محصولات و خدماتی را قطع کنند؛ از این رو درآمد واقعی دولت ها از چنین پایه مالیاتی کاهش می یابد (اوزیلی، ۲۰۲۰).

### ۱-۲-۲. فن آوری های فرار مالیاتی

فناوری های جدید و در حال توسعه توسط افراد و شرکت ها ایجاد شده است تا به افراد ثروتمند در فرار از پرداخت مالیات کمک کنند. این فناوری ها پیچیده هستند و دائماً در حال تغییر هستند. مقامات مالیاتی ممکن است امکان درک کامل یا نظارت بر فناوری های موجود و نوظهور که برای فرار از مالیات در یک کشور مورد استفاده قرار می گیرد، نداشته باشند.

### ۱-۳-۲. استراتژی های ضعیف وصول مالیات

راهبردهای ضعیف وصول مالیات در یک کشور می‌تواند منجر به عدم دریافت مالیات شود (ماروهندا و اورتونو اورتان، ۱۹۹۷). عواملی مانند مأمورین مالیاتی که در خصوص دریافت مالیات آموزش‌های کافی ندیده‌اند، مأمورین مالیات تحصیل نکرده، استفاده از کدهای مالیاتی اشتباه برای اهداف جمع‌آوری، کلاهبرداری‌ها و تاکتیک‌های جمع‌آوری مالیات غیرقانونی، نمونه‌هایی از استراتژی‌های ضعیف وصول مالیات هستند.

#### ۴-۱-۲. داده‌ها و سوابق مالیاتی نادرست

سوابق مالیاتی یا داده‌های مالیاتی در صورت نادرست یا غیر شفاف بودن می‌تواند مأموران مالیاتی را گمراه کند تا چند بار از مودیان مالیاتی، مالیات دریافت کنند. بعضاً اطلاعات مالیات‌ها نه تنها درست نیست بلکه این اطلاعات انبوه نیز می‌باشند. اطلاعات مالیاتی انبوه اطلاعات خرد را در مورد توزیع درآمد نشان می‌دهد که نمی‌تواند به آشکارسازی نابرابری بین افراد کمک کند. (هی، ۲۰۱۷). متخصصان مالیات به آمار و اطلاعات نیاز دارند تا به آنها کمک کند یک برنامه توزیع عادلانه درآمدی را ارائه دهند.

#### ۵-۱-۲. منفعت صنایع موثر بر فرار مالیاتی

خیلی از شرکت‌ها می‌توانند همچنین از قوانین درون مرزی یا برون مرزی هر کشور استفاده کنند تا سودها را تغییر دهند و از مالیات در یک یا چند حوزه قضایی اجتناب کنند (رگو، ۲۰۰۳). صنایع موثر بر فرار مالیاتی شامل حسابداران حرفه‌ای، وکلا و متخصصان مالی کارمندان آن هستند. (سیکا و ویلموت، ۲۰۱۰؛ میچل و سیکا، ۲۰۱۱). این صنعت برای فرار از مالیات طرح‌های خلاقانه و دائماً در حال تغییر را ارائه می‌دهند که باعث می‌شود متخصصین مالیات به سختی بتوانند آن را مدیریت و تنظیم کنند. عمده‌فعالیتی که در این صنعت انجام می‌شود این است که به شرکت‌ها و افراد ثروتمند کمک شود تا حد امکان از طریق طرح‌های فرار مالیاتی، در قبال پاداش، مالیات کمی پرداخت کنند (اوزیلی، ۲۰۲۰).

#### ۶-۱-۲. فساد

یک جامعه فاسد می‌تواند محرکی برای فرار مالیاتی بیشتر باشد، زیرا مقامات فاسد از طریق رشوه به دنبال درآمد بیشتری هستند و بسیاری از پرداخت‌های رشوه اغلب پرداخت‌های نقدی مستقیم برای دور زدن مقامات مالیاتی است. سطوح بالاتر فرار مالیاتی در یک جامعه می‌تواند منجر به افزایش فساد شود که فرصت بیشتری برای رشوه ایجاد می‌کند. هنگامی که مقامات مالیاتی فاسد هستند، رشوه دریافت می‌کنند و این خود محرکی برای فرار مالیاتی می‌باشد (چاندر و وایلد، ۱۹۹۲).

#### ۷-۱-۲. مکانیزم جمع‌آوری نامناسب مالیات و عدم شفافیت

برخی از کشورها عمدتاً کشورهای در حال توسعه، سیستم‌ها و مکانیسم‌های مناسبی برای جمع‌آوری مالیات ندارند، همراه با این باور عمومی که شهروندان هیچ بدهی‌ای به دولت ندارند زیرا دولت هیچ کاری برای آنها انجام نمی‌دهد (مک‌گی، ۱۹۹۹).

#### ۸-۱-۲. درآمد مشاغل آزاد

بیشتر درآمدهای مشاغل آزاد گزارش نمی‌شود بنابراین قابلیت وصول را ندارند، به ویژه هنگامی که بیشتر مبادلات اقتصادی در معاملات نقدی انجام می‌گیرد.

#### ۹-۱-۲. سایر عوامل

سایر عوامل محرک فرار مالیاتی ممکن است شامل بار مالیاتی بیش از حد، عدم صداقت در دولت، بی عدالتی بیش از حد در جامعه، زیرساخت های نهادی ضعیف مقامات مالیاتی، مزایای مالی فرار از مالیات، درک نابرابری، سطح پایین اعتماد به مقامات مالیاتی، درک استفاده ضعیف از درآمدهای مالیاتی، رفتار نامناسب با مالیات دهندگان، فساد در دولت و ... باشد.

## ۲-۲. آثار فرار مالیاتی

با توجه به گفته اسلمرود (۲۰۰۷)، برخی از آثار فرار مالیاتی شامل موارد زیر است:

- فرار مالیاتی میزان دخالت دولت در اقتصاد را کاهش می دهد: فرار مالیاتی دولت را با مشکلات مالی روبرو می کند، زیرا آنها قادر به تأمین منابع مالی کافی برای اداره کشور نیستند. فرار مالیاتی می تواند باعث شود دولت ها بودجه کمی برای اجرای سیاست های اقتصادی سالم و بودجه کافی برای ارائه محصولات و خدمات ضروری به شهروندان نداشته باشند (پیرتلا، ۱۹۹۹).
- فرار مالیاتی باعث ایجاد بار مالیات مضاعف برای سایرین می شود. (یامامورا، ۲۰۱۴).
- فرار مالیاتی باعث افزایش هزینه های وصول مالیات می گردد.
- مشکل در تأمین بودجه دولت: فرار مالیاتی منجر به کسری بودجه کشورها می شود و باعث می شود که از دیگر کشورها و موسسات مالی مثل صندوق بین المللی پول، وام دریافت کنند که این تاثیر منفی بر اقتصاد کشورها می گذارد (گاش، ۱۹۹۵).

## ۲-۳. مقابله با فرار مالیاتی

### ۲-۳-۱. منابع اطلاعاتی

بررسی فرار مالیاتی دشوار است، زیرا هیچ منبع اطلاعاتی وجود ندارد که بتواند همه آن را در بر بگیرد. هیچ منبع اطلاعاتی نمی تواند به طور کامل مشخص کند که چه کسی از مالیات فرار می کند و چرا این کار را می کند. برای به دست آوردن اطلاعات مربوط به فرار مالیاتی، مقامات مالیاتی باید به چندین منبع رسمی و غیر رسمی اطلاعات مراجعه کنند. برای مثال یک کارشناس مالیاتی می تواند از حسابرسی های تصادفی استفاده کند تا شکاف مالیات تخمین زده شود تا از این طریق تشخیص دهد که کل میزان درآمد گزارش نشده و مالیات پرداخت نشده چقدر است (بازارت و همکاران، ۲۰۱۷). حسابرسی های تصادفی می تواند به مقامات مالیاتی کمک کند تا درآمد مشاغل گزارش نشده، سوء استفاده از اعتبارات مالیاتی و سایر اشکال ساده فرار مالیاتی را کشف کنند (آلن و داگلاس، ۲۰۰۴). همچنین، مقامات مالیاتی می توانند از اطلاعات خرد موجود در اسناد فاش شده برای به دست آوردن اطلاعات مربوط به فرار مالیاتی از افراد و خانواده های ثروتمند استفاده کنند (آلستادسایتر و همکاران، ۲۰۱۷).

### ۲-۳-۲. اخلاقیات و فرار مالیاتی

برخی افراد اعتقاد دارند که پرداخت مالیات اخلاقی نمی باشد. همچنین بعضی از افراد فکر می کنند که پرداخت مالیات غیر قانونی می باشد. مک گی (۲۰۰۶) سه دیدگاه اساسی را در زمینه اخلاقیات و فرار مالیاتی بیان می کند. دیدگاه اول استدلال می کند که:

- فرار مالیاتی غیر اخلاقی است.
- دولت نامشروع است و صلاحیت اخلاقی ندارد تا مالیات دریافت کند.

- فرار مالیاتی در برخی شرایط می‌تواند اخلاقی و در شرایط دیگر غیراخلاقی باشد. بنابراین، تصمیم برای فرار از مالیات یک معضل اخلاقی است که چندین عامل را در نظر می‌گیرد.

### ۳-۳-۲. جلوگیری از فرار مالیاتی

برخی از عوامل ممانعت از فرار مالیاتی، ممکن است شامل ترس از پیگرد قانونی، پرداخت جریمه های سنگین، استفاده از پرداخت های غیرنقدی، آسیب احتمالی به شهرت افراد در صورت فرار مالیاتی، اخلاقیات بالا و مقررات کافی دولتی باشد (اورویسکا و هادسون، ۲۰۰۳؛ چانگ و لای، ۲۰۰۴؛ وارما و دووب، ۱۹۹۸)

### ۳. بی ثباتی مالی

#### ۳-۱. تعریف

ثبات مالی وضعیتی است که در آن بحران های منظم ثبات اقتصاد کلان را تهدید نکنند و عدم ثبات مالی، شرایطی است که در آن شوک های اقتصاد مالی تقویت و در داخل بازار منتشر می شود به عبارتی دیگر بی ثباتی مالی وضعیتی را نشان می دهد که نظام مالی به خوبی عمل نمی کند و از توانایی مناسبی در پاسخ به شوک های اقتصادی مانند نرخ ارز و قیمت نفت برخوردار نمی باشد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین بی ثباتی مالی به عنوان شرایطی تعریف می شود که در آن سیستم مالی قادر به تحمل شوک های مالی و ناتوانی در اصلاح عدم تعادل مالی نیست و در نتیجه احتمال اختلالات در فرآیند واسطه‌گری مالی را افزایش می‌دهد که به اندازه کافی جدی است که تخصیص پس‌اندازها را به فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور محدود می‌سازد.

#### ۳-۲. شاخص های کلی ثبات مالی

هیچ شاخص جامعی از بی ثباتی مالی وجود ندارد اوزیلی (۲۰۱۸) و اوزیلی و تانکوم (۲۰۱۸). به همین دلیل شاخص های بی ثباتی مالی برای بخش حقیقی، بازار مالی و بخش خانگی به تعویق می افتد و برای سیستم های اقتصادی متفاوت می باشد. طبق گفته گادانچ و جایارام (۲۰۰۸)، برخی از شاخص های ثبات مالی به شرح زیر می باشند.

#### ۳-۲-۱. شاخص های بخش حقیقی

شاخص های بی ثباتی مالی در بخش حقیقی عبارتند از؛ رشد تولید ناخالص داخلی، درآمد مالیاتی دولت و سطح تورم. رشد تولید ناخالص داخلی نشان دهنده میزان ثروت ایجاد شده در اقتصاد است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی پایین نشانه بی ثباتی در بخش حقیقی است. درآمدهای مالیاتی نشان دهنده توانایی دولت در ایجاد وجوه از مالیات برای تأمین هزینه ها و مخارج عمومی است. درآمدهای مالیاتی پایین نشانه مشکلات مالی یا بی ثباتی در بخش حقیقی است، زیرا دولت برای تأمین هزینه های سرمایه ای خود در بخش حقیقی باید به استقراض تکیه کند. تورم یک افزایش عمومی و مداوم در سطح قیمت است که اغلب نشان دهنده مشکلات ساختاری در اقتصاد است. تورم بالا نشانه بی ثباتی مالی در بخش حقیقی است به ویژه اگر عدم تعادل قیمت در کوتاه مدت مرتفع نگردد (اوزیلی، ۲۰۲۰).

#### ۳-۲-۲. شاخص های بخش شرکتی

شاخص های بی ثباتی مالی در بخش شرکتی با قرار گرفتن در معرض ریسک شرکت ها به صورت جداگانه یا به صورت کلی ارزیابی می شود. چنین ریسکی ممکن است شامل نسبت اهرمی بالا، نسبت هزینه بالا، نرخ خالص بالای ارزش خارجی، نسبت پایین حقوق صاحبان سهام و زیان های سالانه باشد.

**۳-۲-۳. شاخص‌های بخش خانوار**

شاخص‌های بی‌ثباتی مالی در بخش خانوار را می‌توان از طریق دارایی خالص مثبت (دارایی‌ها منهای بدهی‌ها)، درآمد خالص قابل تصرف (درآمد منهای مصرف خدمات بدهی و پرداخت‌های اصلی) ارزیابی کرد. خانوارهایی که دارایی خالص منفی و درآمد غیر قابل تسویه کمی دارند، احتمال بیشتری دارند که مشکلات مالی را در طول شرایط پیش‌بینی‌نشده اقتصادی تجربه کنند.

**۳-۲-۴. شاخص‌های بخش خارجی**

شاخص‌های بی‌ثباتی مالی در بخش خارجی عبارتند از سطوح نرخ واقعی ارزش، ذخایر ارزی، حساب جاری، جریان‌های سرمایه و تناقض‌های پول رایج/رشد. تغییرات ناگهانی در این شاخص‌ها می‌تواند منجر به از دست دادن ارزش ارز و تعادل کسری پرداخت شود.

**۳-۲-۵. شاخص‌های بخش مالی**

شاخص‌های بی‌ثباتی مالی در بخش مالی توسط انباشت نقدینگی، نرخ بهره واقعی و معیارهای ریسک در بخش بانکداری مانند نسبت سرمایه و نقدینگی بانک‌ها، کیفیت وام و رتبه بندی اعتباری مستقل ارزیابی می‌شوند. این شاخص‌ها می‌توانند نشانه‌هایی از مشکلات موجود در بخش بانکداری یا مالی را ارائه دهند.

**۳-۲-۶. شاخص‌های بازارهای مالی**

شاخص‌های بی‌ثباتی مالی در بخش‌های بازار مالی می‌تواند نشانه‌هایی از بی‌ثباتی در بازارهای مالی را آشکار کند. این شاخص‌ها شامل شاخص‌های حقوق صاحبان سهام، گسترش ریسک شرکت‌ها، افزایش نقدینگی و بی‌ثباتی، سطوح بالای خطر گسترش نقدینگی است.

**۴. تأثیر فرار مالیاتی بر بی‌ثباتی مالی**

یک دولت با مازاد بودجه، وجوه اضافی خواهد داشت که می‌تواند برای رهایی سیستم مالی در صورت وقوع رویدادهای بی‌سابقه‌ای که شوک‌هایی را به سیستم مالی منتقل می‌کند، مورد استفاده قرار گیرد (آتریباخ و گیل، ۲۰۰۰). در طول بحران‌های اقتصادی و یا مالی، دولتی که وجوه اضطراری یا کمک‌های مالی نجات بخش در حساب ذخیره خود دارد می‌تواند از این وجوه برای احیای اقتصاد شکست خورده و اصلاح عدم تعادل مالی در سیستم مالی کشور استفاده کند. در اقتصادهای توسعه یافته، مانند ایالات متحده آمریکا، انگلستان و آلمان، دولت اغلب آخرین راه حل برای بقای اقتصادی در بحران‌های شدید اقتصادی و یا مالی است. یک نمونه اخیر، بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ است.

در طول بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۸، دولت‌های انگلیس و ایالات متحده مجبور به مداخله برای رهایی سیستم‌های مالی خود شدند. دولت ایالات متحده برای احیای سیستم مالی خود که به شدت با سیستم‌های مالی سایر کشورهای توسعه یافته در آن زمان ارتباط داشت، کمک‌های مالی نجات بخش تا ۱۴ تریلیون دلار در نظر گرفت. فروپاشی سیستم مالی ایالات متحده منجر به دخالت مالی می‌شود که می‌تواند سیستم مالی سایر کشورهای متصل به ایالات متحده را از بین ببرد. خزانه داری ایالات متحده تحت فشار قرار گرفت تا کمک‌های مالی نجات بخش را برای بازگرداندن سیستم مالی جهانی تامین کند.

در این تحقیق چهار فرضیه برای فرار مالیاتی و ثبات مالی ارائه می‌شود:

فرضیه اول: عدم وجود فرار مالیاتی می‌تواند ثبات مالی بیشتری را به دنبال داشته باشد.

در کشوری که هر فرد و شرکتی مبلغ کامل بدهی مالیاتی خود را بپردازد، دولت از بودجه کافی برای پاسخ مستقیم و فوری به شوک‌های غیرعادی که سیستم مالی را تهدید می‌کند برخوردار خواهد بود. این انتظار فرض می‌کند که یک دولت برخی از درآمدهای مالیاتی را به عنوان وجوه اضطراری برای استفاده ضروری کنار می‌گذارد و از چنین وجوهی به منظور غیر از حوادث اضطراری استفاده نمی‌کند. در این صورت، عدم وجود فرار مالیاتی باید ثبات مالی را افزایش دهد، زیرا دولت همیشه وجوه ذخیره‌ای برای مداخله مستقیم در اقتصاد خواهد داشت.

فرضیه دوم: عدم وجود فرار مالیاتی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی بیشتر شود.

با این حال، ادعاهایی وجود دارد که به هیچ دولتی نمی‌توان با مازاد بودجه اعتماد کرد، زیرا دولت‌ها در مقابل پس انداز پول برای آینده تمایل دارند پول بیشتری برای متعادل کردن حساب‌های عمومی خود خرج کنند. این استدلال نیز وجود دارد که حتی اگر مالیات به طور کامل پرداخت شود (یعنی فرار مالیاتی صفر باشد)، مازاد بودجه حاصل از چنین درآمدهای مالیاتی در صورت نیاز برای استفاده اضطراری در دسترس نخواهد بود. دولت ممکن است از وجوه ذخیره شده برای تامین مخارج بیهوده تکراری استفاده کند، بنابراین موجودی وجوه ذخیره شده را برای استفاده اضطراری کاهش می‌دهد. در این صورت، عدم وجود فرار مالیاتی که مازاد بودجه را ایجاد می‌کند، می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی بیشتر شود.

فرضیه سوم: وجود فرار مالیاتی می‌تواند ثبات مالی بیشتری را به دنبال داشته باشد.

دولت به تنهایی نمی‌تواند مسئولیت کامل ثبات مالی را بر عهده بگیرد. شرکت‌ها و افراد نیز تا حدی مسئولیت ثبات مالی را بر عهده دارند. ادعاهایی وجود دارد که فرار مالیاتی توسط افراد و شرکت‌ها برای مقابله با مشکلات مالی شخصی خود هنگام وقوع رویدادهای نامطلوب که ثبات مالی آنها را تهدید می‌کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر به این دلیل است افرادی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، معتقدند که دولت حتی در صورتی که مشکلات مالی شخصی خود را حتی پس از پرداخت کامل بدهی مالیاتی خود پشت سر گذاشته‌اند، به آن‌ها کمک نخواهد کرد. بنابراین، آن‌ها ترجیح می‌دهند خود را از عدم ثبات مالی با فرار از مالیات بیمه کنند. از آنجا که کاملاً درست است که بسیاری از دولت‌ها لزوماً به افراد و شرکت‌ها به صورت فردی یا موردی کمک نمی‌کنند، افرادی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، معتقدند که باید از نظر اخلاقی مالیات کمتری به دولت بپردازند تا بتوانند منابع مالی کافی برای مقابله با مشکلات مالی شخصی خود داشته باشند. شرکت‌هایی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند ممکن است به همین دلیل به فرار مالیاتی بپردازند، تا منابع مالی اضافی برای کمک به آن‌ها در حفظ وضعیت مالی شرکت در زمان‌های بد را داشته باشند. در این مورد، وجود فرار مالیاتی می‌تواند ثبات مالی را برای افراد و شرکت‌هایی که از مالیات فرار می‌کنند، تقویت کند.

فرضیه چهارم: وجود فرار مالیاتی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی بیشتر شود.

هنگامی که مالیات‌ها نادیده گرفته می‌شوند، دولت منابع محدودی برای مداخله مستقیم و فوری برای کاهش اثرات شوک‌های غیرطبیعی که باعث بی‌ثباتی سیستم اقتصادی می‌شود و می‌تواند منجر به وحشت و آشوب شود، خواهد داشت، که می‌تواند وضعیت اقتصادی فعلی را بدتر کند (اوزیلی، ۲۰۲۰).



## ۳- نتیجه گیری

فرار مالیاتی یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد غیر رسمی است که امروزه به عنوان یکی از چالش‌های اساسی کشورها و به عنوان مهم‌ترین مسئله و مشکل نظام‌های مالیاتی محسوب می‌شود. در این تحقیق، فرار مالیاتی، انگیزه‌ها و پیامدهای آن در کشورها بررسی شد. این بحث به اهمیت شناسایی یک سیستم بهینه مالیات اشاره می‌کند که تشویق به پرداخت مالیات می‌کند که محرکی برای پرداخت مالیات می‌باشد و در عین حال از بار مالیاتی پایین اطمینان حاصل می‌کند. این بحث همچنین به بررسی ثبات مالی و تأثیر فرار مالیاتی بر ثبات مالی می‌پردازد. این تحقیق نشان می‌دهد که فرار مالیاتی می‌تواند درآمد مالیاتی را که دولت‌ها برای مدیریت اقتصاد در اختیار دارند کاهش دهد، در حالی که مودیان مالیاتی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، احساس می‌کنند که می‌توانند از فرار مالیاتی برای بهبود ثبات مالی خود استفاده کنند.

فرار مالیاتی مسئله مهمی برای همه دولت‌ها است. توانایی دولت‌ها برای مداخله مستقیم برای رهایی اقتصاد از بحران‌های شدید اغلب با فرار مالیاتی محدود می‌شود که این امر باعث می‌شود دولت‌ها از بودجه کافی برای رهایی بانک‌های ورشکسته، موسسات مالی و موسسات غیر مالی بسیار بزرگ برخوردار نباشد. فرار مالیاتی و تأثیر آن بر ثبات یا بی‌ثباتی مالی بسیار پیچیده است و متأسفانه هیچ منبع اطلاعاتی واحدی برای ثبت آن وجود ندارد. برای درک کامل تأثیر فرار مالیاتی بر ثبات مالی یا بی‌ثباتی، مهم است که فرار مالیاتی را از دو منظر بررسی کنیم: دیدگاه دولت و دیدگاه فرار مالیاتی. اولین دیدگاه معتقد است که نباید از پرداخت مالیات کامل اجتناب شود تا دولت بتواند بودجه کافی برای تأمین مخارج عمومی خود داشته باشد، در حالی که دومین دیدگاه معتقد است که افراد برای ارتقاء ثبات در امور مالی شخصی خود از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. این دیدگاه‌ها رابطه متقابل بین فرار مالیاتی و بی‌ثباتی مالی را نشان می‌دهد.

## مراجع

- ✓ حساس یگانه، یحیی؛ بولو، قاسم و رضائی، شهروز. (۱۳۹۸). الگوی برای تأثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی، *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱ (۴): پیاپی ۴۲.
- ✓ زارعی، پگاه؛ طهرانچیان، امیرمنصور؛ ابونوری، اسمعیل و تقی نژاد عمران، وحید. (۱۳۹۹). تأثیر نوسانات بازارهای دارایی بر بی‌ثباتی مالی در اقتصاد ایران: زهیافت مارکوف سویچینگ موجک بنیان، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۸ (۹۳): ۲۰۳-۲۳۲.
- ✓ عبدی، محمدرضا؛ رحمانی، تیمور و فلاحی، سامان. (۱۳۹۱). مالیات بر ارزش افزوده و ثبات مالی دولت، *پژوهشنامه مالیات*، ۱۴: ۹-۳۰.
- ✓ نمازی، محمد و اسماعیل پور، حسن. (۱۳۹۹). تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، *فصلنامه دانش حسابداری*، ۱۱ (۱): ۱-۳۳.
- ✓ Allen, F. & Gale, D. (2004), "Competition and financial stability", *Journal of Money, Credit, and Banking*, 36 (3) 453-480.
- ✓ Alstadsaeter, A., Johannesen, N. & Zucman, G. (2017), "Tax evasion and inequality, national bureau of economic research", *Working Paper*, 23772.
- ✓ Auerbach, A.J. & Gale, W.G. (2000), "Perspectives on the budget surplus (no. w7837)", *National Bureau of Economic Research*.

- ✓ Alm, J. (2012), "Measuring, explaining, and controlling tax evasion: lessons from theory, experiments, and field studies", *International Tax and Public Finance*, 19) 1):54-77.
- ✓ Bazart, C., Beaud, M. & Dubois, D. (2017), "Whistleblowing vs random audit: an experimental test of relative efficiency\$( 17-04)"
- ✓ Burg, D.F. (2004), *a World History of Tax Rebellions: An Encyclopedia of Tax Rebels, Revolts, and Riots from Antiquity to the Present*, Routledge.
- ✓ Chang, J.J. & Lai, C.C. (2004), "Collaborative tax evasion and social norms: why deterrence does not work", *Oxford Economic Papers*, 56)2) : 344-368.
- ✓ Chander, P. & Wilde, L. (1992), "Corruption in tax administration", *Journal of Public Economics*, 49)3): 333-349.
- ✓ Daunton, M.J. (2001), *Trusting Leviathan: The Politics of Taxation in Britain, 1799-1914*, Cambridge University Press, Cambridge.
- ✓ Desai, M.A. & Dharmapala, D. (2009), "Corporate tax avoidance and firm value", *Review of Economics and Statistics*, 91 ( 3) :537-546
- ✓ Dimitrijevic, M. (2016), "Tax compliance as an imperative in the contemporary state", *Teme- Casopis za Društvene Nauke*, 40) 2) :679-691.
- ✓ Frecknall-Hughes, J. (2007), "The concept of taxation and the age of enlightenment", in Tiley, J. (Ed.), *Studies in the History of Tax Law*, Hart Publishing, Oxford, 2:253-286.
- ✓ Ghosh, A.R. (1995), "Intertemporal tax-smoothing and the government budget surplus: Canada and the United States", *Journal of Money, Credit and Banking*, 27) 4) :1033-1045.
- ✓ Gadanez, B. & Jayaram, K. (2008), "Measures of financial stability-a review", *Irving Fisher Committee Bulletin*, 31: 365-383.
- ✓ Hay, R. (2017), "Tax data transparency: UK", *Trusts and Trustees*. 23 ( 1) :139-142.
- ✓ Haufler, A. & Schjelderup, G. (2000), "Corporate tax systems and cross-country profit shifting", *Oxford Economic Papers*, 52 ( 2) :306-325.
- ✓ Hasas yeganeh, Y., blue, G., rezaei, S. (2019). A Model for Impact of the Selected Dimensions of Corporate Social Responsibility on Avoidance and Tax Evasion. *Journal of Financial Accounting Research*, 11(4): 111-130. (in persian)
- ✓ McGee, R. (1999), "Why people evade taxes in Armenia: a look at an ethical issue based on a summary of interviews, journal of accounting", *Ethics and Public Policy*, 2) 2): 408-416.
- ✓ McGee, R.W. (2006), "Three views on the ethics of tax evasion", *Journal of Business Ethics*. 67)1) :15-35.
- ✓ Marhuenda, F. & Ortuño-Ortín, I. (1997), "Tax enforcement problems", *The Scandinavian Journal of Economics*, 99) 1) :61-72.
- ✓ Mitchell, A. & Sikka, P. (2011), *The Pin-Stripe Mafia: How Accountancy Firms Destroy Societies*, Association for Accountancy and Business Affairs, Basildon.
- ✓ Mohammadreza A, Teymur R, Saman F. Value Added Tax (VAT) and Government's Fiscal Stability. *J Tax Res*. 2012; 20 (14) :9-30. (in persian)

- ✓ Namaz i, M., Esmailpour, H. (2020). Impacts of International Financial Reporting Standards (IFRS) on Tax Evasion and Tax Avoidance. *Journal of Knowledge Accounting*, 11(1):1-33. (in persian)
- ✓ Ozili, P. (2020). Tax evasion and financial instability, *Journal of Financial Crime*, 27(2): 531-539.
- ✓ Ozili, P.K. & Thankom, A.G. (2018), Income Smoothing among European Systemic and Non-Systemic Banks, *The British Accounting Review*.
- ✓ Ozili, P.K. (2018), "Banking stability determinants in Africa", *International Journal of Managerial Finance*, 14 (4):462-483.
- ✓ Orviska, M. & Hudson, J. (2003), "Tax evasion, civic duty and the law-abiding citizen", *European Journal of Political Economy*, 19(1):83-102.
- ✓ Pirttila, J. (1999), *Tax Evasion and Economies in Transition: Lessons from Tax Theory*, No. 2, Institute for Economies in Transition, Bank of Finland.
- ✓ Rego, S.O. (2003), "Tax-avoidance activities of US multinational corporations", *Contemporary Accounting Research*, 20(4):805-833.
- ✓ Sikka, P. & Willmott, H. (2010), "The dark side of transfer pricing: Its role in tax avoidance and wealth retentiveness", *Critical Perspectives on Accounting*, 21(4):342-356.
- ✓ Slemrod, J. (2007), "Cheating ourselves: the economics of tax evasion", *Journal of Economic Perspectives*. 21(1):25-48.
- ✓ Slemrod, J. (1990), "Optimal taxation and optimal tax systems", *Journal of Economic Perspectives*, 4(1): 157-178.
- ✓ Varma, K.N. & Doob, A.N. (1998), "Deterring economic crimes: the case of tax evasion", *Canadian Journal of Criminology*, 40:165.
- ✓ Yamamura, E. (2014), "Trust in government and its effect on preferences for income redistribution and perceived tax burden", *Economics of Governance*, 15(1):71-100.
- ✓ Zarei P, Tehranchian A, Anonouri E, taghinejad omran V.) 2020.(The Impact of Financial Market Fluctuations on Financial Instability in the Iranian Economy: The Wavelet based Markov Switching Model. *Qjerp*, 28 (93) :203-232. (in persian)